



روزنامه

تاریخ
۱۷
اردیبهشت
۱۳۹۶
یکشنبه

## اطفال در صورت ارتکاب جرم، مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالْقضا، کانون اصلاح و تربیت اطفال است

## با قانون زندگی کنیم

**اطفال در صورت ارتکاب جرم، مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالْقضا، کانون اصلاح و تربیت اطفال است**

**ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی**

صفحه
۵
شماره
۱۹۴۸
سال
بیست و سوم



شش داستان بری، افسانه ای

اثر: داوید هانکی

کشاورزی دو پسر داشت، پسر بزرگتر باهوش بود و راه و رسم زندگی را خوب می دانست، اما پسر کوچکتر ساده بود و به درد هیچ چیز نمی خورد. وقتی مردم او را می دیدند، می گفتند: این پسر برای پدرش مشکل آفرین خواهد بود و این همیشه پسر بزرگتر بود که کمک پدرش بود. اما اگر پدر او را دیر وقت در شب برای کاری می فرستاد و در راهش مجبور بود که از قبرستان و یا بعضی از مکان های ترسناک گذر کند، از خود دفاع می کرد و می گفت: نه پدر، من ترجیح می دهم که نروم. این مرا می ترساند. وقتی که برادر کوچکتر در گوشه ای می نشست و می شنید که مردم در کنار آتش می نشینند و داستان هایی درمورد ارواح می گویند، نمی توانست آن ها را درک کند.

چرا آن ها همیشه می گویند این مرا می لرزاند و می ترساند. از خودش می پرسید من نمی توانم بترسم، حتماً یک چیزی هست که من باید یاد بگیرم. یک روز پدرش با او صحبت کرد. پسرم گوش کن، تو داری بزرگ می شوی و موقع آن رسیده که کارکردن رو شروع کنی نگاهی به برادرت کن، او مخارجش را خودش درمی آورد. اما تو چه تصمیمی داری؟ جواب داد: پدر، من دوست دارم چیزهای زیادی را بیایوم. اگر تصمیم با من باشد، من دوست دارم که ترسیدن را یاد بگیرم، من هیچ چیز در این مورد نمی دانم.

برادارش پوز خندی زد و با خود فکر کرد: آه خدا، چقدر احمق است، او هرگز به یاد نمی رسد. پدرگفت: تو به زودی به اندازه کافی یاد می گیری که ترسیدن چیست، اما نمی توانی با این راه معاش کنی. چند روز بعد، پدر به خازن کلیسا مشکلات خود را گفت: پسرم آنقدر احمق است که نه می تواند کار کند و نه می تواند ساده ترین چیزها را به چنگ بیاورد. فکرش را بکن، وقتی که از او پرسیدم که چکار می خواهد انجام بدهد، گفت که می خواهد برود و ترسیدن را یاد بگیرد.

خازن با پوزخند گفت: اگر این تمام چیزی هست که می خواهی، من یادش می دهم، به من بسپارش.

من درشتم می کنم. بنابراین او پسر را استخدام کرد و

شغل ناقوس زنی را به او یاد داد.

چند روز بعد نایم های شب بیدار ش کرد و به او گفت که به کلیسا برود و ناقوس را به صدا در آورد. خازن در برج دور کوتاهی زد و فکر کرد و گفت: من به او یاد می دهم که ترس چیست.

همین که پسر می خواست ناقوس را بزند، برگشت و دید که یک شکل سفید رنگ به روی پله هاست، سپس گفت: یا بلند صحبت کن یا برو گم شو. اینجا چه می خواهی؟

چون خازن فکر می کرد که پسر تصور می کند او روح است، از جایش تکان نخورد، بنابراین پسر دوباره فریاد زد: اینجا چه می خواهی؟ یا به من جواب می دهی و یا اینکه تو را از پله ها پائین می اندازم.

اما خازن تهدید او را جدی نگرفت و همچنان ثابت ایستاد. پسر به او فرصت دیگر داد، اما وقتی که هیچ جوابی نشنید، به روی سر روح لرزان پرید و او را از پله‌ها به پایین پرت کرد. بعد ناقوس را نواخت و رفت خانه و خوابید.

همسر خادم کلیسا صبورانه منتظر شوهرش بود، بعد از چند ساعت نگرانش شروع شد بنابراین پسر را بیدار کرد و از او پرسید: شما می دانید که بنابرین چه کارفته‌ا؟ قبل از شما به کلیسا آمد. پسر جواب داد: من نمی دانم اما یک چیز سفید بالای پله ها ایستاده بود و چون نه به من جواب می داد و نه از سر راهم کنار می رفت. من او را آدم متقلبی می‌دانم و هر چه پدر پسر رفت. «پسر شما بین شاید همسرت بوده، هرچند اگر او بوده باشد، بسیار متأسف می شوم و چه بدشانسی آورده است.

زن به طرف برج دوید و خازن کلیسا را نالان در گوشه ای با پای شکسته یافت. زن او را به خانه برد و گریان و با عجله به سوی پدر پسر رفت. «پسر شما شوهر مرا از پله ها پرت کرده پایین و پایش شکسته! هر چه زودتر آن را از خانه ما بیرون کنید!» پدرخیلی ترسیده بود و رفت که پسر را بیاورد. او را نفرین کرد و گفت: لعنت به تو! چه کله احمقانه ای داشتی، کله ات از کار افتاده است؟

پسر جواب داد: پدر گوش کن، من کار بدی نکردم.

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رأی شماره ۲۰۰۷۲۹۴ – ۹۵/۱۲/۹ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کارزون تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای فخرالدین گلستان فرزند حسعلی به شماره شناسنامه ۱۱۸ صادره از کارزون نسبت به ششدانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۱۰۰/۲۷۹ مترمربع پلاک ۱۱۱/۲۳ قطعه ۴ بخش ۷ فارس کارزون مفروزی از پلاک ۱۱۱/۱ اصلی خریداری از مالک رسمی ورته نومیهدمحمدحسین طباطبایی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میبایند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسیده، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۲/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۳/۱۶

**داود انصاری – رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان کارزون**
۱/۵۴ الف

**آگهی ابلاغ وقت دادرسی**

بدینوسیله اعلام میشود آقای علی خورکفا دادخواستی به خواسته مطالبه مبلغ ۱۳۰۰۰/۰۰۰ ریال به طرفیت آقای سعید پارسائزاد فرزند عباسعلی به شماره ملی ۹۳۲۷۱۱۸۸۲ تسلیم شوراهای حل اختلاف شعبه دوم نموده که به این شعبه ارجاع و به کلاس ۹۶/۳ برای روز ۹۶/۴/۸۰ ساعت ۵:۵ تعیین شد است با توجه به مجهول المالک بودن خواننده به درخواست خواهان و دستور دادگاه و تجویز ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مراتب یک نوبت آگهی میشود تا خواننده از تاریخ انتشار این آگهی ظرف یک ماه به دبیرخانه شورا واقع در قائمیه – معصلی – دادگاه سابق مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت نموده و در وقت یاد شده چیت رسیدگی حاضر گردد در غیر این صورت وفق مقررات قانونی اتخاذ تصمیم خواهد شد.

۱/۱۷۳ الف

**رئیس شورای حل اختلاف شعبه دوم بخش جنار شاهچیان**
۶/۲۱۸ الف

**آگهی احضار متهم**

نظر به اینکه آقای نوبت داد فرزند غلامعلی به اتهام ایراد جرح عمدی با موکت بری از طرف این دادسرا تحت تعقیب می باشد و ابلاغ اوراق احضاریه به واسطه ناعلموم بودن محل اقامت وی میسر نگردیده، بدینوسیله در اجرای ماده ۱۷۴ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مرتاب به نامبرده ابلاغ تا ظرف مدت یک ماه پس از انتشار این آگهی به منظور پاسخگویی و دفاع از اتهام انتسابی در شعبه اول بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب کارزون حاضر گردد. در غیر این صورت بازپرس شعبه پس از انقضای مهلت مقرر به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده می نماید.
۶/۲۱۹ الف

**بازپرس شعبه اول دادسرای عمومی و انقلاب کارزون**

۱/۱۷۶ الف

**آگهی ابلاغ اجرائیه**

بدینوسیله به خانم چهره کاوئی فرزند قباد شناسنامه شماره ۷۵۵ صادره از اقلید ساکن اقلید نظام آباد ابلاغ می شود که پست بانگ اقلید به استناد قرارداد بانکی شماره ۹۳۰۵۶۵۶۲۶۷ جهت وصول مبلغ ۹۰۸۲۱۰۰۰ ریال تا تاریخ ۹۵/۱۱/۱۲ به استناد قرارداد باقی شماره ۹۳۰۵۶۵۶۲۶۷ جهت مذکور تا روز تسویه کامل روزانه مبلغ ۱۳۱۶۵۰ ریال اضافه می گردد به بدهی طبق مقررات علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاس ۹۵۰۱۰۴۸ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۵/۱۱/۲۰ مامور محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بنسئلتکار طبق ماده ۱۸۵امان نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.
۱/۱۷۴ الف

**رضا رحیمی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اقلید**

۲۴۳۷۵

**آگهی تحدید حدود اختصاصی**

نظر به اینکه هیئت اختلاف مستقر در ثبت گناوه مالکیت به تصرفات مفروزی و مالکانه آقای علیرضا بهزادی را نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۱۷۳۴/۵۰ مترمربع پلاک ۱۳۲۲/۲۴۷ واقع در قریه قلعه حیدر گناوه بخش ۶ بوشهر برابر رای شماره ۹۵/۱۱/۲۰ مورخ ۱۳۹۵۶۰۳۲۴۰۰۱۰۰۴۳۵۰ ابلاغ نموده آگهی موضوع ماده۳ و ماده ۱۳ آیین نامه ی قانون تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی و قانون ثبت منتشر گردیده لذا آگهی تحدید حدود اختصاصی آن به استناد ماده ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت و تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمان فاقد سند رسمی جهت قسمت مورد تصرف آقای علیرضا بهزادی منتشر و به اطلاع متصرف نامبرده و مجاورین و صاحبان حقوق ارتقائی می رساند که عملیات تحدیدی ۴ ساعت از ظهر مورخ ۹۶/۳/۱۶ ساعت ۴ از ظهر مورخ ۹۶/۳/۱۶ در محل شروع و به عمل خواهد آمد. لذا بدینوسیله از متصرف نام برده و مجاورین دعوت می شود در وقت تعیین شده فوق در محل وقوع ملک حضور یابند واخواهی نسبت به حدود و حقوق ارتقائی برابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تسلیم صورت جلسه تحدید حدود به مدت ۳۰ روز پذیرفته می شود. معترضین نسبت به حدود و حقوق ارتقائی مطابق تبصره ماده ی ۸۶ آیین نامه قانون ثبت و تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین و تکلیف پرونده متعزین ثبتی مصوب ۷۳/۲/۲۵ طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض کتبی به اداره ثبت دادخواست به مراجع قضائی محل وقوع ملک تسلیم و تصدیق گواهی به جرایان دعوی را به جهت ضبط در تاریخ انتشار: ۹۶/۲/۱۷ ۲۴۳۷۰

**مجید امیری – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گناوه**

**آگهی برگ تشخیص و برگ قطعی (حقیقی)**

نظر به اینکه نشانی مودیان اعلامی در جدول ذیل در دست نمی باشد در اجرای ماده ۲۰۸ ق.م.م مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ اوراق مالیاتی به شرح ذیل ابلاغ می گردد، خواهشمند است طبق قانون در تاریخ و ساعت مقرر به شرح جدول این آگهی جهت حل و فصل پرونده و تسویه حساب مالیاتی و پیگیری مراحل پرونده به واحد مالیاتی مربوطه به آدرس بلوار رحمت غربی روبروی ۲۰ متری اما خمینی اداره امور مالیاتی ۱۷۰۹ مراجعه نمایند.

ردیف	نام و نام خانوادگی	شماره شناسنامه	واحد عملیاتی	مبلغ مورد مطالبه	نوع برگ	شماره برگ	مورخه	حداکثر تاریخ مراجعه
۱	کرمعلی زارع	۷	۱۷۰۹۳۳	۱۳۹۱	مشاغل	۸۸۰۹۶۸۰	ریال	۱۳۹۶/۰۱/۲۳

۴/۲۲۰۴ م/الف ۲۴۳۷۶
**روابط عمومی اداره کل امور مالیاتی فارس**

## آگهی مالیاتی

نظر به اینکه نشانی مودیان اعلامی در جدول ذیل در دست نمی باشد در اجرای ماده ۲۰۸ ق.م.م مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ اوراق مالیاتی عملکرد سال ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۹۱، ابلاغ می گردد، خواهشمند است طبق قانون در تاریخ و ساعت مقرر این آگهی جهت حل و فصل پرونده و تسویه حساب مالیاتی و پیگیری مراحل پرونده به واحد مالیاتی مربوطه واقع در صفاهشر بلوار وحدت اداره امور مالیاتی شماره تلفن ۷۱۴۴۴۵۲۰۱۰ مراجعه نمایند.

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	شماره شناسنامه	واحد مالیاتی	منبع	عملکرد	مالیات مورد مطالبه	نوع برگ	شماره برگ	تاریخ	حداکثر تاریخ مراجعه
۱	مهدی رستگار رامشه	نعمت الله	۳۴۶۹	۱۷۴۳۱	مشاغل	۱۲۸۲	۱۰۵/۴۹۵/۶۰۳	قطعی	۲۷۹۰۲	۹۵/۱۰/۲۵	۹۶/۰۳/۱۵
۲	مهدی رستگار رامشه	نعمت الله	۳۴۶۹	۱۷۴۳۱	مشاغل	۱۲۸۴	۴۱/۴۵۲/۶۱۲	قطعی	۲۷۹۰۲	۹۵/۱۰/۲۵	۹۶/۰۳/۱۵
۳	ضیاءالدین ملک شاهی	زین العابدین	۱۵۸۰	۱۷۴۳۱	مشاغل	۱۲۹۱	۶/۵۲۱/۷۹۴/۹۵۰	تشخیص	۲۹۰۴۴	۹۵/۱۱/۱۱	۳۰روز از تاریخ ابلاغ روزنامه

۴/۲۲۰۵ م/الف ۲۴۳۷۷
**روابط عمومی اداره کل امور مالیاتی فارس**

**آگهی تحدید حدود اختصاصی**

نظر به اینکه هیئت اختلاف مستقر در ثبت گناوه مالکیت به تصرفات مفروزی و مالکانه آقای عبدالله ذعاب را نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۱۷۰۵۴۲/۶۷ مترمربع پلاک ۸۸۳/۹۸ واقع در قریه بیدو گناوه بخش ۶ بوشهر برابر رای شماره ۹۵/۱۱/۵۰ مورخ ۱۳۹۵۶۰۳۲۴۰۰۱۰۰۴۱۳۰ ابلاغ نموده آگهی موضوع ماده۳ و ماده ۱۳ آیین نامه ی قانون تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی و قانون ثبت منتشر گردیده لذا آگهی تحدید حدود اختصاصی آن به استناد ماده ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت و تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمان فاقد سند رسمی جهت قسمت مورد تصرف آقای عبدالله ذعاب منتشر و به اطلاع متصرف نامبرده و مجاورین و صاحبان حقوق ارتقائی می رساند که عملیات تحدیدی ۴ ساعت قبل از ظهر مورخ ۹۶/۳/۱۶ در محل شروع و به عمل خواهد آمد. لذا بدینوسیله از متصرف نام برده و مجاورین دعوت می شود در وقت تعیین شده فوق در محل وقوع ملک حضور یابند واخواهی نسبت به حدود و حقوق ارتقائی برابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت جلسه تحدید حدود به مدت ۳۰ روز پذیرفته می شود. معترضین نسبت به حدود و حقوق ارتقائی مطابق تبصره ماده ی ۸۶ آیین نامه قانون ثبت و تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین و تکلیف پرونده معترضین ثبتی مصوب ۷۳/۲/۲۵ طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض کتبی به اداره ثبت دادخواست به مراجع قضائی محل وقوع ملک تسلیم و تصدیق گواهی به جرایان دعوی را به جهت ضبط در پرونده از دادگاه مربوط به اخذ و به ثبت تسلیم نماینده والا حق از او ساقط خواهد شد.۱/۱۳۱ م/الف
تاریخ انتشار: ۹۶/۲/۱۷ ۲۴۳۷۰

قسمت چهارم

## سبک زندگی امام موسی کاظم (ع) در مسائل فردی؛ عبادت

**نویسنده: شکرالله جهان مهبین، مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم و مدیر بنیاد فرهنگی خیریه آیت الله حق شناس (ره) جهرم**

۲- انس امام موسی کاظم (ع) با قرآن مجید

از جمله اموری که عموم سیره نویسان در تألیفات خود در رابطه با سبک زندگی امامان معصوم (علیهم‌السلام) متذکرند، آن که آنان انس شدیدی با کلام خدا و قرآن مجید داشته اند و درباره امام موسی کاظم (علیه‌السلام) می‌خوانیم که:

كَانَ الذِّكْرَ الْحَكِيمِ رَفِیقُ الْأَمَامِ فِي خَلَوَاتِهِ، وَ صَاحِبُهُ فِی رَحْمَتِهِ وَ كَانَ يَتَلَوُّهُ بِأَمْعَانٍ وَ كَثْرٍ
بمانم، بعدش می‌روم که ترسیدن را یاد بگیرم. حداقل از اون راه شاید بتونم کمی پول در بیاورم، پدر گفت: برو هر غلطی که می‌خواهی بکن، دیگر برایم مهم نیست. من ده پنی به تو می‌دهم بعدش برو، هر چه دورتر، بهتر. به هیچکس هم نگو از کجا آمده‌ای و یا اسم من را نیز تو مایه خجالت من هستی. پسر گفت: هر طور دوست داری پدر، اگر خواسته شما این است، من می‌روم. هوا که روشن شد، پسر پول را گرفت و قدم زنان رفت پایین به طرف جاده، با خودش من من می‌کرد! اگه می‌ترسیدم را یاد بگیرم! از کنار مردی گذشت که صدایش را شنیده بود و برای مدتی با هم قدم زدند و وقتی که آن‌ها به یک چوبه دار رسیدند، همراهش گفت: بین این همان درختی است که هفت مرد در اینجا با دختر پرواز کنند. تو باید همین جا بایستی و تا شام صبر کنی سپس تو ترسیدن را یاد می‌گیری.

پسر جواب داد: مشکلی نیست، اگر به همان آسانی که تو گفتی باشد، همه پولم را به تو می‌دهم. فردا صبح برگرد. پسر کنار چوبه دار نشست، هوا که تاریک شد، آتش روشن کرد، اما نزدیکی‌های نیمه شب سرش شد. باد عجیبی می‌وزید و جنازه‌ها در مقابل یکدیگر می‌جستند. مثل اینکه آنها از جلو و عقب می‌جنبیدند. پسر سرش را بالا کرد و نگاهی به آن‌ها انداخت و با خود فکر کرد: وقتی که من اینجا در آن‌ام، سردم هست، آن‌ها هم حتماً آن بالا بیخ می‌زنند.

ادامه دارد.....

**مجید امیری – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گناوه**